



FF

روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر
پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۴



سیاست، دیپلماسی فرهنگ بر پرده نقره‌ای

سینمای ایران

پیش‌تاز تعامل و گفت‌وگوی جهانی

www.fajrfilmfestival.com

«سینمای ایران» پیش‌تاز تعامل و گفت‌وگوی جهانی

صادق سلطانی
کارشناس مسائل استراتژیک

سینما در تراز دیپلماسی فرهنگی

سید عباس موسوی
دیپلمات



در جهان امروز، دیپلماسی صرفاً به گفت‌وگوهای رسمی میان دولت‌ها محدود نیست. قدرت نرم، روایت‌سازی و تصویرسازی از هویت ملی به مؤلفه‌هایی تعیین‌کننده در روابط بین‌الملل بدل شده‌اند و در این میان، سینما یکی از اثرگذارترین ابزارهای دیپلماسی فرهنگی به‌شمار می‌رود. اما پرسش اصلی این است آیا سینما می‌تواند فراتر از یک هنر یا صنعت سرگرمی به مثابه «گفتمان ملی» عمل کند و صدای یک ملت را در عرصه جهانی بازتاب دهد؟ سینما زبان مشترک ملت‌هاست؛ زبانی که بدون نیاز به ترجمه‌های سیاسی، احساسات، ارزش‌ها، تعارض‌ها و آرمان‌های یک جامعه را منتقل می‌کند. فیلم‌ها می‌توانند روایتگر تاریخ، فرهنگ، سبک زندگی و حتی منازعات درونی یک ملت باشند. از این منظر، سینما نه تنها بازتاب‌دهنده واقعیت اجتماعی است بلکه در شکل‌دهی به آن نیز نقش دارد و می‌تواند به تولید و تثبیت یک گفتمان ملی کمک کند.

در چارچوب دیپلماسی فرهنگی، سینما کارکردی دوگانه دارد؛ از یک سو ابزار معرفی چهره‌های انسانی، چندلایه و واقعی کشورهاست و از سوی دیگر میدان رقابت روایت‌ها به‌شمار می‌رود. کشورهایی که توانسته‌اند از سینما به‌عنوان بازوی دیپلماسی خود بهره بگیرند، موفق شده‌اند تصویری جذاب، قابل فهم و گاه الهام‌بخش از هویت ملی خویش در ذهن افکار عمومی جهان بسازند. این تصویرسازی گاه تأثیری عمیق‌تر و ماندگارتر از بیانیه‌های رسمی سیاسی دارد.

برای آنکه سینما بتواند به مثابه گفتمان ملی عمل کند، باید واجد چند ویژگی کلیدی باشد: نخست، استقلال نسبی روایت، سینمایی که صرفاً به بازتولید شعارهای رسمی بسنده کند، توان اقناع مخاطب جهانی را از دست می‌دهد. دوم، ریشه‌مندی در واقعیت اجتماعی. گفتمان ملی زمانی شکل می‌گیرد که فیلم‌ها از دل تجربه زیسته مردم برخیزند و مسائل واقعی جامعه را با بیانی هنرمندانه مطرح کنند. سوم، قابلیت گفت‌وگو با جهان. سینما باید بتواند هم‌زمان «بومی» و «جهانی» باشد؛ یعنی ضمن حفظ هویت فرهنگی، برای مخاطب غیرایرانی نیز قابل درک و همذات‌پندارانه باشد. در مورد ایران، سینما ظرفیت کم‌نظیری برای ایفای نقش دیپلماتیک دارد. تجربه موفق حضور فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های معتبر جهانی نشان داده است که روایت‌های انسانی، اخلاق‌محور و اجتماعی می‌توانند کلیشه‌های سیاسی را به چالش بکشند و دریچه‌ای تازه برای گفت‌وگو میان ملت‌ها بگشایند. اینجاست که سینما از سطح هنر فراتر می‌رود و به یک کنشگر مؤثر در عرصه دیپلماسی عمومی تبدیل می‌شود.

در نهایت، سینما زمانی می‌تواند به مثابه گفتمان ملی عمل کند که به رسمیت شناخته شود؛ نه صرفاً به‌عنوان ابزار تبلیغاتی، بلکه به‌عنوان عرصه‌ای برای گفت‌وگوی درون‌ملی و برون‌ملی. گفتمانی که از پرده نقره‌ای آغاز می‌شود اما می‌تواند در ذهن و قلب مخاطبان جهانی استمرار یابد و پلی را میان ملت‌ها بسازد.

شناسنامه سینمای پس از انقلاب، با نام عباس کیارستمی گره خورده است. او که فیلمسازی را از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کرده بود، در فرصت مناسب سینمای موردعلاقه‌اش را در گستره وسیعی از دنیا پراکنده کرد. در این میان نقش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و بنیاد سینمای فارابی برای جا انداختن این سینما بسیار مهم و موثر بود. در سینمای جهان پس از موفقیت‌های عباس کیارستمی این سوال مطرح بود این سینمای مینیمالیستی از چه سخن می‌گوید، از قاب‌بندی‌های درست و تصاویر متحرک بسیار ساده یا کارگردانی سهل و ممتنع؟ اما رضایت مخاطب فرهیخته در بطن این سینما و از آنچه سینمای کیارستمی از آن حرف می‌زد، در این نکته نهفته است: او باور دوست داشتن و تحمل دیگری را همچو یک چتر در همه فیلم‌هایش گسترانیده است.

سال‌ها سینمای ایران با عباس کیارستمی شناخته می‌شد و پس از او مجید مجیدی با فیلم درخشان «بچه‌های آسمان» رنگ دیگری بر سینمای ایران زد. اما «رنگ خدا» پس از آن فیلم موفق توانست اعتبار تازه‌ای را برای ایران رقم بزند. مجیدی که سینمای شخصی‌تر عباس کیارستمی را به مدلی از سینمای صنعتی و حرفه‌ای به لحاظ ساختار و رنگ و تصویر بدل کرده بود، توانست مخاطبان بسیار فراگیری را در جهان جذب کند.

داریوش مهرجویی با فیلم «پری» بیش از پیش به‌عنوان فیلمسازی شناخته شده مطرح شد. هرچند او قبل از آن، با فیلم‌های «هامون» یا حتی «دایره‌مینا» در جهان سینما شناخته می‌شد اما «پری» به دلیل مضمون تازه و بدیعی که فیلمساز آن را از یک اثر دیوید سالینجر اقتباس کرده و دستمایه فیلم خود قرار داده بود، توانست ذهنیت جدیدی را در دنیا نسبت به سینمای ایران شکل دهد. مفهومی که فیلم پری از آن سخن می‌گوید، هنوز در جهان فرهنگ و ادبیات شنیدن دارد.

این فیلمسازان و سینماگران دیگری نظیر ناصر تقوایی با «ناخدا خورشید» و اصغر فرهادی با «در باره‌الی» و «جدایی نادر از سیمین» از حیث محتوا، جایگاه سینمای ایران را در دنیا ارتقا داده و بعدتر، نسل نوتری از سینمای ایران این مسیر را ادامه دادند. سینمای ایران در همه این سال‌ها توانست با نوع گفتمان خود و ارائه یک سینمای کاملاً ناتورالیستی و منبعت از محتوا و ادبیاتی که از فرهنگ بومی ایران ناشی می‌شد، در سینمای جهان ترک‌تازی کند. پیش از این ایرانیان را با شعر مشهور «بنی‌آدم اعضای یکدیگرند» که در آفرینش یک گوهرند» می‌شناختند اما با حضور سینماگران و توانایی فنی آنها و تسلط هنرمندان «سینمای نوین» ایران مفهوم درهم‌تنیدگی آدمی را در تصویر به جهانیان عرضه کرد. مخاطبان جدی سینما، سینمای ایران را با مفهوم و پیام صلح و آشتی و تحمل و گفت‌وگو می‌شناسند. چیزی که سینمای ایران آن را بسیار خوب روایت می‌کند و در فهماندن آن به مخاطب بسیار موفق عمل کرده است. موج فیلمسازان فیلم کوتاه مستند و بلند و جوازی بی‌شمار آنان در چهارده نشان‌دهنده موفقیت این سینماست. در دانشکده‌های سینمایی دنیا وقتی درباره سینمای ایران حرف می‌زنند، اولین سوال این است که سینمای ایران درباره چه چیزی حرف می‌زند و بلافاصله پاسخ داریم: درباره سیر و سلوک، هویت، دوست داشتن، صلح و جهان بدون زور.

اکنون که فصل جدیدی در سینمای ایران آغاز می‌شود امید است که این آرزوهای سینمای ایران به آرزوی جهانی و فراگیر تبدیل شود.





چهره‌های روز



علیرضا معتمدی

این حقیقت ما را نجات می‌دهد؛ به فردیت یکدیگر احترام بگذاریم و آن را به رسمیت بشناسیم.



محمد ابراهیم شهبازی

جشنواره امسال نسبت به دوره قبل اهمیت بیشتری برای فیلم کوتاه قائل شده است.



کاظم دانشی

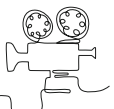
فیلم من سیاه‌نمایی نیست. «زنده شور» تلخ است. فیلم دادگاهی-جنایی در همه جای دنیا تلخ است.



امیراحمد انصاری

برای من مهم بود که نسل زد ما قهرمان‌های کشور را بهتر بشناسد چون دین این افراد بر گردن ماست.

گفت‌وگو



مهدی شفیعی در گفت‌وگو با روزنامه جشنواره:

سینمای ما ظرفیت صنعتی شدن دارد

مهدی شفیعی، معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان سینمایی در سال‌های اخیر که به تازگی به عنوان معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب شده است، روز گذشته با حضور در پردیس سینمایی ملت در جریان برپایی این دوره جشنواره قرار گرفت.

آیا سینما و جشنواره اساساً می‌تواند به مثابه یک

گفتمان ملی عمل کند؟

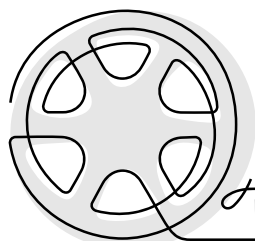
سینما می‌تواند رابطه‌ای بسیار قوی و اثرگذار میان مردم، مدیران و حاکمیت ایجاد کند. از یک سو می‌تواند حرف مردم را به زبان هنر به حاکمیت منتقل کند و از سوی دیگر، خواسته‌ها و سیاست‌های مدیریت کلان و دولتمردان را به زبانی هنری و قابل فهم به جامعه برساند. در واقع، سینما قادر است یک رابطه دوسویه میان مردم و حاکمیت برقرار کند و معمولاً مدیران و دولتمردان کارآزموده و هوشمند، این ظرفیت را به خوبی می‌شناسند و تلاش می‌کنند حداکثر بهره را از آن ببرند.

سینمای ایران تا چه اندازه به سمت صنعتی شدن

حرکت کرده است و برای تبدیل شدن به یک صنعت

جهانی، چه مسیر و الزاماتی پیش رو دارد؟

سینمای ما ویژگی‌هایی دارد که با وجود برخی کمبودها، توانسته در سطح جهانی مطرح شود و جایگاهی برای خود باز کند. اما درباره نسبت سینما و صنعت، هنوز جای کار زیادی وجود دارد. فاصله معناداری میان ایده‌هایی که باید محقق شود و وضعیت فعلی وجود دارد. سینمای ما مخاطب و هنرمندان مؤلف و اثرگذار دارد. از منظر اقتصادی نیز می‌تواند ظرفیت‌های قابل توجهی داشته باشد. اما تعریف یک فرآیند درست و بهره‌برداری حداکثری از تمام ظرفیت‌ها، موضوعی است که هنوز با آن فاصله داریم.



تمرکز بر باور مخاطب



سید محمد سلیمانی

فیلم کوتاه و موفق «سیزده سالگی» ساخته محمد اسفندیاری مقدمه خوب و موفقی برای تولید فیلم بلند سینمایی «کوچ» فیلمی زندگی‌نامه‌ای و بر اساس زندگی شهید قاسم سلیمانی شد و این امکان را پیدا کرد تا روایتش را کامل کند، بسط بدهد و با فضاسازی‌های ملموس، قابل باور و تأکید بر مهم‌ترین وجوه زندگی سردار سلیمانی در کودکی، نوجوانی و جوانی، «کوچ» را به اثری درخورنام این شخصیت تبدیل کند. فیلم قرار است مرور جذاب و تأثیرگذار زندگی قهرمان باشد. مسیری را که انتخاب می‌کند متکی بر مقاطعی است که مثل قطعات یک پازل، سایه‌روشن‌های یک شمایل را شکل می‌دهد. همه آنچه در فیلم و در قالب روایت کودکی، نوجوانی و جوانی شخصیت اصلی می‌بینیم در توضیح یک جمله کلیدی از شهید قاسم سلیمانی است؛ «من دیگر از چیزی نمی‌ترسیدم».

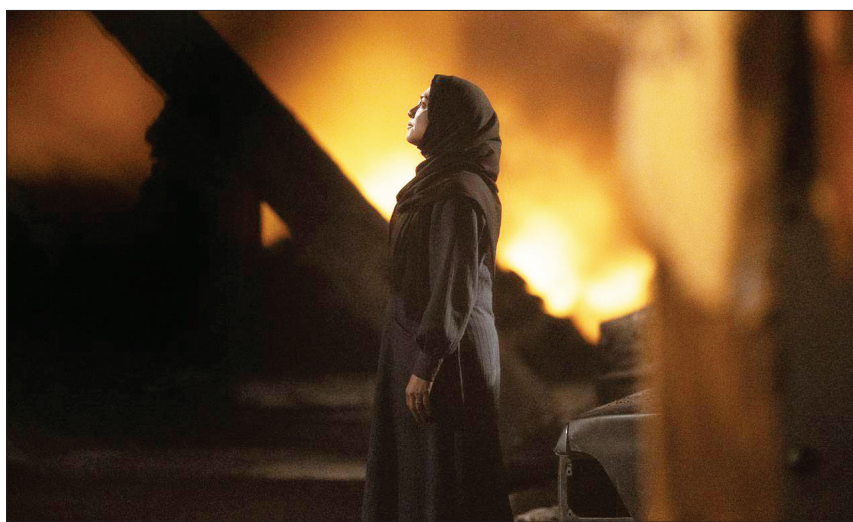
محمد اسفندیاری با انتخاب ساختاری مبتنی بر بازخوردهای مثبت فیلم «سیزده سالگی»، بدون افتادن به ورطه زیاده‌گویی و با تمرکز بر آنچه مخاطبان‌اش را به باور همان جمله می‌رساند، «کوچ» را به اثری جذاب و پر نکته تبدیل کرده است.

انسانی و تماشایی



محمد صابری

فیلم تازه بابک خواجه‌پاشا فارغ از امتیازات متعددی که می‌توان برای آن برشمرد، قطعاً گامی بلند و روبه جلو در مسیر کارگردانی برای این فیلمساز به شمار می‌رود. خواجه‌پاشا که پیش از این در فیلم «آبی روشن» نتوانسته بود قصه‌اش را به سلامت از دالان دشوار مضمون‌زدگی عبور دهد و فیلم در انعکاس سوژه زیارت تبدیل به تجربه‌ای ناکام برای او شد؛ این بار هم دست به ریسک زده و سراغ موضوعی رفته است که لااقل روی کاغذ سوژه‌ای حساس و به ظاهر محکوم به شعاردگی بود اما به سلامت قصه‌اش را به تصویر کشیده است. مهم‌ترین برگ برنده خواجه‌پاشا در این مسیر انتخاب زاویه دید و نگاهی متفاوت برای روایت مصائب جنگ در غزه بوده است. تمرکز بر جهان کودکان که این کارگردان پیش‌تر در تجربه «در آغوش درخت» تسلط خود بر آن را به اثبات رسانده بود، جلوه‌ای متفاوت به این فیلم بخشیده و فراتر از جغرافیا و سیاست، آن را به اثری انسانی و تماشایی تبدیل کرده است. به همین دلیل «سرزمین فرشته‌ها» یکی از مهم‌ترین فیلم‌های جشنواره چهل و چهارم است که بعدتر و در بازه اکران عمومی می‌توان پرداخت جدی‌تر به آن داشت.





نشست خبری فیلم «مارون»

چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت

چمران جنوب کیست؟

اجرا: وحید رونقی **حاضران:** امیراحمد انصاری کارگردان، داود محمدی مدیر فیلمبرداری مهدی صاحبی تهیه کننده و بهنام خاکسار طراح جلوه‌های ویژه. از میان گفته‌ها: **امیراحمد انصاری:** شخصیت اصلی یعنی هدایت‌الله طبیب نخبه علمی بود، در شهر تلاهاسی فلوریدا مهندسی کشاورزی خوانده بود و از نظر نظامی هم هوش بسیار بالایی داشت. او به چمران جنوب معروف بود، همین موضوع به ما ایده جذابی داد تا بخشی از زندگی او را برای یک فیلم بیوگرافی متفاوت انتخاب کنیم و ژانر را به سمت جاسوسی اکشن ببریم که نسل جدید هم با آن ارتباط برقرار کند. بیشترین بخش‌های فیلم در ایران و پلان‌های کوتاهی در تلاهاسی آمریکا فیلمبرداری شد.

مهدی صاحبی: شاید اگر به خود من بود، فیلم در همان آمریکا به پایان می‌رسید اما کار گروهی با نظر جمع به نتیجه و جمع‌بندی می‌رسد. **بهنام خاکسار:** حدود ۲۲ دقیقه از فیلم با بهره‌گیری از جلوه‌های ویژه شکل گرفته که نتیجه همکاری و همراهی یک تیم خوب است تا در زمان بسیار کوتاهی این حجم از انفجار و صحنه‌های دشوار آماده شود.

داود محمدی: به صورت موازی کار مونتاژ را انجام می‌دادیم، البته می‌دانستیم قرار است به چه پلانی کات بنزیم بنابراین مقداری از آن بعدا هنگام تدوین تغییر کرد. وقتی یک فیلم بیوگرافیک پیشنهاد می‌شود، اولین چیزی که به ذهن می‌رسد، فضای مستندگونه و فراهم کردن اتمسفری که برای مخاطب باورپذیر باشد.

نشست خبری فیلم «دختر پری خانوم»

چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت

حمایت از یک پروژه آوانگارد

اجرا: وحید رونقی، **حاضران:** کامبیز دارایی تهیه‌کننده اجرایی، علیرضا معتمدی تهیه‌کننده و کارگردان و سهند مهدی‌زاده آهنگساز. از میان گفته‌ها: **علیرضا معتمدی:** این روزها هیچ‌کدام ماحوال خوبی نداریم، کشور رو زگار تلخ و غم‌انگیزی را از سر می‌گذارند جوانانی که کشته می‌شوند و جانشان را می‌دهند و عزیزی که در جنگ ۱۲ روزه به شهادت رسیدند، در چند سال گذشته روی شاهنامه کار می‌کردم که به بیت غم‌انگیزی در آن برخوردیم که شرح احوال همه ماست؛ آن بیت این بود «شب‌ی چون شب روی شسته به قیبر/ نه بهرام پیدانه کیوان نه تیر»، ضمن احترام به کسانی که در جشنواره شرکت نمی‌کنند من فکر می‌کنم از همه روزه‌ها و اماکنات موجود باید استفاده کرد و کار کرد، هر کسی به اندازه وسع خود عمل کند، فیلمسازی امری یک‌شبه نیست، پنج سال است که درگیر ساخت «دختر پری خانوم» هستم مشقات زیادی برای دریافت پروانه کشیدم، مسیرهای طولانی طی شد تا در کنار دوستان با عشق و انگیزه آن را بسازیم، فکر می‌کنم حرف و دیگه خواناتر از فیلم بیان کردیم، این فیلم در عین ناباوری در پیچینگ فزاری پذیرفته شد. من هم ۱۰ دقیقه فرصت داشتم در جلسه داوران حضور داشته باشم و از پروژه دفاع کنم از آنجایی که چند سال در خدمت سرمایه‌گذاران ایرانی و خارجی بودم، می‌دانستیم چه کنیم نکات و جزییاتی که در آن جلسه گفتیم، باعث شد آنها از یک پروژه آوانگارد حمایت کنند.

سهند مهدی‌زاده: در این تجربه از فیلمنامه به موسیقی فیلم رسیدیم، در سه پرده موسیقی را ساختیم که تا حدودی فانتزی است، هر چند سعی کردم از لایه‌های فانتزی دور شوم و به لایه‌های شخصیتی برسم.



نشست خبری فیلم «زن‌دشور»

چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت

شما فیلم من را ببینید

اجرا: وحید رونقی، **حاضران:** کاظم دانشی تهیه‌کننده و کارگردان. از میان گفته‌ها: **کاظم دانشی:** فیلمنامه را به صورت مشترک با محمد داوودی نوشتم. ما دو فیلمنامه «زن‌دشور» و «اردو بهشت» را با هم کار کردیم که اولی را من ساختم و دومی را خود داوودی ساخت. هر دو فیلمنامه فضای قضایی و شباهت‌هایی با هم دارند، به نظر هر دو قصه از حال و هوای این روزها دور نیست، جشنواره مثل مراحل پس تولید است. من همه فیلم‌هایم را برای مردم ساختم، می‌دانم از «اردو بهشت» و «زن‌دشور» اقبال خوبی خواهد شد، اینکه برویم از جاهایی پول بگیریم و کارهایی علیه همکاران کنیم، خوب نیست این نوعی نزولی و وطن‌فروشی است. ساخت این فیلم اراده شخصی بود مجموعه‌های ارگانی که در حوزه سینما فعالیت می‌کنند، در این چند سال پیشنهادهای متفاوتی به من دادند، خودتان می‌دانید چه مدل فیلم‌هایی را می‌گویم اما من همیشه فیلمنامه‌های خودم را داشتم.

«بی‌بدن» و «علفزار» را در هیچ جشنواره‌ای نشان ندادم چون مصرف داخلی دارند چون آن‌ها را برای مردم ساختم. اینکه رکورد فروش داخل را برزند برایم مهم‌تر است همه سروصداهایم درباره «بی‌بدن» همین بود. دوست داشتم شما فیلم من را ببینید، نقدها را بشنوم و فیلم به فیلم بهتر شوم. این دوستانی که درباره تحریم حرف می‌زنند بدانند که بالاخره هفتاد هزار بلیت فروش رفته آنها هم مردم هستند دیگر، من در نهایت صداقت این حرف‌ها را می‌گویم.



نام فیلم: به همین سادگی
محصول: ۱۳۸۶

برنده سیمرغ بلورین بیست و ششمین جشنواره فیلم فجر
فیلمنامه نویسان: شادمهر راستین، رضا میرکریمی
بازیگران: هنگامه قاضیانی، مهران کاشارنی، صفا آقا جانی
خلاصه داستان: داستان درباره شدن یک روز زن به نام طاهره است که به خاطر مشغله‌های کاری شوهرش که یک مهندس ساختمان است، احساس تنهایی می‌کند. او به زنی افسرده تبدیل شده و دلخوشی‌اش را در مرور خاطرات گذشته‌اش می‌بیند. طاهره می‌خواهد برای مدتی خانواده ترک کند و با برادرش به ولایتشان برود. اما شرایط شکل دیگری رقم می‌خورد.
ایده اولیه: چه می‌شود اگر زنی معنای زندگی را در جایی دیگر دریابد؟ جایی خارج از زندگی روزمره خود...

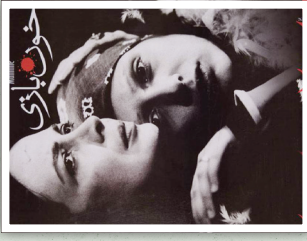
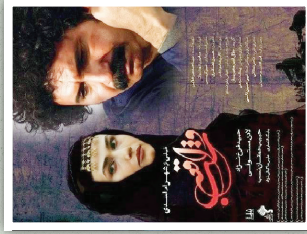
پیرنگ: وسوسه، کشف
پیچش داستانی: طاهره به همسر خود و کار او مشکوک می‌شود.
ایده ناظر: وقتی فشارهای ریز و انباشته زندگی روزمره بر یک زن خانه‌دار غلبه می‌کند، او تنها از طریق مکث، فاصله‌گیری و بازنگری در خود می‌تواند دوباره به تعادل برسد.

۶ فیلمنامه‌های برتر ادوار فجر چه بودند؟ چرا جایزه گرفتند؟

نام فیلم: شب واقعه
محصول: ۱۳۸۷

برنده سیمرغ بلورین بیست و هفتمین جشنواره فیلم فجر
فیلمنامه نویس: همایون شهنواز
بازیگران: حمید فرخ‌نژاد، لادن مستوفی، حبیب دهقان‌نسب، آتش تقی‌پور
خلاصه داستان: چهلمین روز بعد از آغاز جنگ هشت ساله، دریاقلی سوزانی پس از آن که خانواده‌اش را از آبادان راهی می‌کند، به اوراق فروشی خود در حاشیه بهمن شیر برمی‌گردد و با ماجراهایی روبه‌رو می‌شود. او در نهایت شهر را از هجوم بیگانگان با خبر کرده و مردم را نجات می‌دهد.
ایده اولیه: چه می‌شود اگر یک کارگر ساده دست به کاری بزرگ مثل نجات یک شهر بزند؟
پیرنگ: فداکاری

پیچش داستانی: دریاقلی متوجه حرکت بیگانگان به سمت آبادان می‌شود.
ایده ناظر: وقتی انسان در برابر هجوم شر و نابودی قرار می‌گیرد، وفاداری به ایمان و مسئولیت اخلاقی حتی در تنهایی و بی‌پناهی به شرافت و معنا می‌انجامد، هرچند به قیمت جان!



نام فیلم: خون بازی
محصول: ۱۳۸۵

برنده سیمرغ بلورین بیست و پنجمین جشنواره فیلم فجر
فیلمنامه نویسان: رخشان بنی‌اعتماد، فرید مصطفوی، محسن عبدالوهاب، نغمه ثمنی
بازیگران: باران کوثری، بیتا فرهی، مسعود رایگان، بهرام رادان
خلاصه داستان: سارا معتاد به مواد مخدر است. آرش، نامزدش که در تورنتو کانادا درس می‌خواند از اعتیاد او بی‌خبر است. یک ماه پیش از آن که آرش برای برگزاری مراسم ازدواج به ایران بیاید، سارا تصمیم می‌گیرد تا اعتیادش را ترک کند. سارا همراه مادرش عازم سفر می‌شود. تصمیمی سخت در کشاکش وسوسه و مقاومت. در ادامه داستان شاهد تلاش‌های سارا برای ترک اعتیاد هستیم.

ایده اولیه: چه می‌شود اگر مردی از اعتیاد نامرد خود در یک کشور دیگر در آستانه ازدواج بی‌خبر باشد؟
پیرنگ: دروغ، کشف
پیچش داستانی: آرش تصمیم می‌گیرد به ایران بیاید.
ایده ناظر: وقتی عشق پایدار و فداکارانه یک مادر در برابر ویرانگری اعتیاد مقاومت می‌کند، امکان آغاز رهایی می‌آید؛ هرچند این رهایی هرگز کامل و تضمین شده نیست.

وسوسه، کشف

نام فیلم: جدایی نادر از سیمین
محصول: ۱۳۸۹

برنده سیمرغ بلورین بیست و نهمین جشنواره فیلم فجر
فیلمنامه نویس: اصغر فرهادی
بازیگران: لیلا حاتمی، پیمان معادی، شهاب حسینی، ساره بیات، مریلا زارعی
خلاصه داستان: سیمین می‌خواهد برای آینده دخترشان مهاجرت کند، اما نادر نمی‌خواهد پدر بیمار و سالخورده‌اش را تنها بگذارد و همین اختلاف آن‌ها را تا مرز جدایی می‌برد. نادر برای مراقبت از پدرش زنی به نام راضیه را استخدام می‌کند، اما حادثه‌ای ناگهانی میان آن‌ها رخ می‌دهد و تصمیم نهایی درباره جدایی، به انتخاب دخترشان ترمه سپرده می‌شود.
ایده اولیه: چه می‌شود اگر در آستانه یک طلاق، زندگی زناشویی نادر و سیمین بایک حادثه دگرگون شود؟

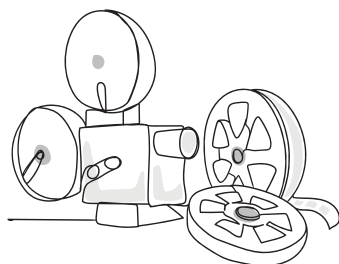
پیرنگ: تغییر
پیچش داستانی: نادر پدرش را در شرایط وخیمی می‌بیند و پرستار او را مقصر می‌داند.
ایده ناظر: وقتی فشار اجتماعی و اخلاقی افزایش می‌یابد، حتی آدم‌های درستکار نیز برای بقا به رفتارهای نادرست روی می‌روند.



درد و عشق



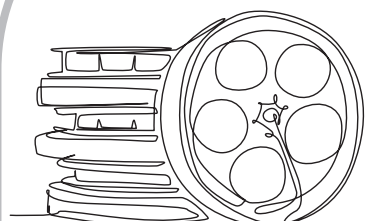
نورانه چه و چرا و چگونه
چرا و چگونه و چرا و چگونه



رقص باد

کارگردان: سیدجواد حسینی، **تهیه کننده:** ابوالفضل صفری، **بازیگران:** علیرضا شجاع نوری، سودابه بیضایی، ماهر الوند، امیر محمدی و رضا ثامری، **نویسنده فیلمنامه:** حسین مهکام، **مشاور کارگردان:** بیژن میرباقری، **مدیر فیلمبرداری:** آرمین یوسفزاد، **آهنگساز:** ستار اورکی، **طراح گریم:** شهرام خلج، **طراح صحنه:** حامد بدخشان فر، **صداگذار:** رامین ابوالصدق، **تدوین:** پریسا ناهیدپور، **صداپرداز:** مهران بهروزنیا، **جلوه های ویژه کامپیوتری:** امیر عضدی، **طراح لباس:** شهزاد نصر، **مدیر روابط عمومی:** علی زادمهر.

خلاصه داستان: یونس بالنج به جزیره ای در جنوب ایران می رسد. روزهای حمله اسرائیل او به یک هتل ساحلی می رود و ...



قایق سواری در تهران

کارگردان: رسول صدرعاملی، **تهیه کننده:** روح الله سهرابی- موسسه تصویرشهر، **بازیگران:** پیمان قاسم خانی، سحر دولت شاهی، زهرا داودنژاد، محمد بحرانی و ...، **نویسنده فیلمنامه:** پیمان قاسم خانی، **مدیر فیلمبرداری:** آرمان فیاض، **تدوین:** بهرام دهقانی، **موسیقی:** ستار اورکی، **طراحی و ترکیب صدا:** علیرضا علویان، **طراح گریم:** مهرداد میرکیانی، **طراح صحنه:** حجت اشتیری، **مدیر صداپردازی:** طاهر پیشوایی، **طراح لباس:** آزاده قوام، **طراح جلوه های ویژه بصری:** محمد برادران، **مدیر روابط عمومی:** فاطمه ترکاشوند.

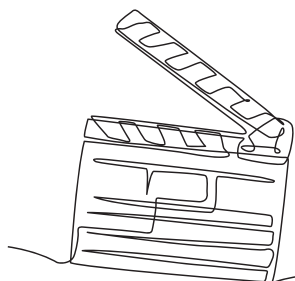
خلاصه داستان: مازیار محقق، مرد میان سالی است که پس از ۲۵ سال از آمریکا به ایران برگشته تا با دختر جوانی که با او فاصله سنی زیادی دارد، ازدواج کند.



بیلبورد

کارگردان: سعید دشتی، **تهیه کنندگان:** محمدرضا مصباح و مهدی فتاحی، **بازیگران:** آنایتا درگاهی، امین حیایی و ... با حضور محمود گبرلو، **مجری طرح:** محمد علی شجاعی فرد، **مدیر فیلمبرداری:** محمد فکوری، **طراح صحنه:** رسول علیزاده، **تدوین:** میثم مولایی، **طراحی و ترکیب صدا:** بهمن اردلان، **طراح لباس:** رسول علیزاده و زینب احمدی، **صداپرداز:** فیض مندیان، **طراح گریم:** میثم قراگوزلو، **طراح جلوه های ویژه بصری:** محمد برادران، **طراح جلوه های ویژه میدانی:** آرش آقاییک، **عکاس:** پویا شاه جهانی، **مشاور رسانه ای:** سیدسام بهشتی.

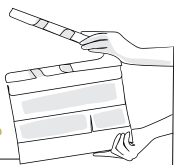
خلاصه داستان: یک سوپرستار سینما به دلیل مشکلی که در خانواده اش ایجاد می شود، تمام اعتبار خود را در سطح جامعه از دست می دهد و ...



صفحه ۶

روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر





شاعرانه، عاشقانه و مستقل

ابوالفضل صفری
تهیه کننده

«رقص باد» تلاشی است برای ارائه مفهومی از عشق که شکل فیزیکی و عینی ندارد. عشقی که بیشتر به یک حس، یک بازگشت درونی و یک تجربه زیستی شبیه است. همین نگاه باعث شد عنوان فیلم «رقص باد»، انتخاب شود؛ چون با نوعی شاعرانگی و نگاه متفاوت کارگردان، فضایی عاشقانه اما غیرکلیشه‌ای خلق کرده است.

این یک عشق معمول یا جسمانی نیست، بلکه مفهومی انتزاعی است. از منظر جامعه‌شناختی و تا حدی روانشناسی اجتماعی هم به این مفهوم پرداخته شده، هرچند تمرکز اصلی ما روانشناسی فردی نبوده است. بخش جامعه‌شناختی فیلم تا حد زیادی ریشه در دغدغه‌های شخصی خود من دارد. عشقی که در طول زمان امتداد پیدا می‌کند؛ از نقطه‌ای آغاز می‌شود و به امروز می‌رسد. قصه دو رویکرد دارد و درک و برداشت نهایی آن به مخاطب واگذار شده است. هر مخاطب می‌تواند برداشت شخصی خود را از این عشق داشته باشد.

یکی از مفاهیم محوری فیلم، حسرت زندگی نکرده یا زیست تجربه نشده است. مفهومی که سعی کردیم آن را به تصویر نزدیک کنیم. ایده اولیه داستان از من شکل گرفت، اما پس از آن، طرح به حسین سپرده شد و او فیلمنامه را نوشت. در سال‌های اخیر، سینمای ایران به سمت فیلم‌های اجتماعی رفته و این موضوع باعث شده است تنوع ژانری کمتر شود. بسیاری از فیلم‌ها بر اساس الگوها و شابلون‌های تکراری ساخته می‌شوند. اولین مساله برای ما در «رقص باد» این بود که فیلم، واقعاً سینما باشد. در تمام پارامترها تلاش کردیم از فضای تلویزیونی یا ویدیویی فاصله بگیریم. «رقص باد» استقلال فکری و هنری دارد.



گفت‌وگو با سید جواد حسینی، کارگردان فیلم «رقص باد»

گاهی مجبوریم برگردیم

مهسا بهادری

سید جواد حسینی متولد ۱۳۶۷ است و از سال ۱۳۸۴ دستیار و برنامه‌ریز هنرمندانی چون محمد مهدی عسگرپور، سیروس مقدم و بهروز شعیبی بوده است. او ساخت چند فیلم کوتاه تجربی و داستانی را در کارنامه دارد. حسینی با فیلم اقتباسی «شرایط» در چهلمین جشنواره فیلم کوتاه تهران حضور داشت.

«رقص باد» در نگاه اول یک داستان عاشقانه است، اما به نظر می‌رسد با تعریف رایج عشق فاصله دارد. چرا خواستید عشق را به شکلی متفاوت به تصویر بکشید؟

ما اصلاً قصد نداشتیم عشق را به شکل عجیب و غریب یا غیرقابل فهم نمایش بدهیم. در «رقص باد» با عشقی مواجه هستیم که وجود داشته اما برای رسیدن به آن زمان طولانی سپری شده، فاصله‌ای ۳۷ ساله. یونس بعد از این همه سال برمی‌گردد تا عشقش را پیدا کند. جمله‌ای که همیشه در ذهن من هست و به فیلم هم خیلی نزدیک بوده، این است که گاهی مجبور می‌شوی برگردی، حتی اگر خیلی دور شده باشی.

آیا این نوع عشق مابه‌ازای واقعی در زندگی روزمره دارد؟

بیشتر فضایی ذهنی و غیرواقعی است؟

فیلم ما اصلاً سورئال نیست. «رقص باد» یک رئالیسم جادویی است، اما تلاش کردیم همه چیز را به واقعی‌ترین شکل ممکن روایت کنیم. یعنی قصه ما کاملاً مابه‌ازای واقعی دارد، هرچند ممکن است

برای تماشاگر این سؤال ایجاد شود که آیا آنچه می‌بیند واقعی است یا نه. این ابهام، بخشی از تجربه فیلم است. این را هم بگویم که با فیلم‌های کیشلوفسکی عاشق سینما شدم؛ چون در آثارش همه چیز به سرشت و سرنوشت انسان برمی‌گردد.

«رقص باد» چه ویژگی برای مخاطب جست‌وجوگر دارد؟

مهم‌ترین ویژگی فیلم «تفاوت» است؛ چه پذیرش تفاوت و چه نمایش آن. در سال‌های اخیر، بسیاری از فیلم‌های اولی‌ها به‌طور ناخودآگاه به سمت یک الگوی مشخص یعنی فیلم‌های اجتماعی و سیاسی می‌روند، یا ملودرام‌های اجتماعی اصطلاحاً پایین‌شهری که این روزها در سینمای ما زیاد شده است. من نمی‌گویم این شیوه‌ها بد هستند، اتفاقاً می‌توانند خیلی هم ارزشمند باشند اما در «رقص باد» تصمیم گرفتیم مسیر دیگری را انتخاب و داستانی را روایت کنیم که خیلی‌ها سراغش نمی‌روند. این انتخاب آگاهانه بود و امیدوارم مخاطب هم این تفاوت را ببیند و با آن ارتباط برقرار کند.



گفت و گو با سعید دشتی، کارگردان فیلم «بیلورد»

پرتعلیق و خانوادگی

مهسا بهادری

سعید دشتی کارگردان، نویسنده و هنرپیشه دارای مدرک فوق لیسانس در رشته بازیگری است. او کارگردانی نمایش‌هایی چون «دریبل» و «بلافیگور» را در کارنامه دارد و برای بازی در فیلم‌های کوتاه هم جوایزی به دست آورده است.

«بیلورد» فیلمی درباره سینماست. ایده اصلی فیلم از کجاشکل گرفت؟ به واسطه فعالیت‌هایی که طی چند سال اخیر در این حوزه داشتم، فضای کلی قصه در ذهنم شکل گرفته بود. این ایده را با نویسندگان فیلمنامه، سامان زرگونه و صالح علوی زاده در میان گذاشتم. جالب آنکه این ایده به صورت کاملاً تصادفی و البته به شکلی بسیار پخته‌تر در ذهن آن‌ها هم وجود داشت. به همین دلیل گفت و گوهای با هم داشتیم که باعث شد ایده، به طرح و بعد به فیلمنامه برسد و نهایتاً ساخته شود. در واقع، این قصه از زیست شخصی و نشست و برخاست‌های من در سال‌های اخیر در فعالیت‌های هنری شکل گرفت.

«چقدر تلاش کردید داستان را در بستر جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی روایت کنید؟

مولفه‌های جامعه‌شناختی بسیار گسترده‌اند و طبیعتاً بخشی از آن‌ها در فیلم ما حضور دارند. فیلم «بیلورد» از یک سو نگاهی به فضای سینما دارد و حتی اشاره‌ای مستقیم به این فضا می‌کند اما از سوی دیگر، بخش مهمی از فیلم به نهاد خانواده می‌پردازد که جای بحث زیادی دارد. وقتی از عناصر جامعه‌شناختی حرف می‌زنیم، ناخودآگاه این موضوعات وارد روایت می‌شوند و در قصه حضور پیدا می‌کنند.

«مهم‌ترین شاخصه فیلم شما چیست؟

به نظرم مهم‌ترین ویژگی «بیلورد» قصه پرتعلیق آن باشد چون فیلمنامه، قصه‌گو است. فکر می‌کنم مخاطب در سه پرده پایانی، همچنان درگیر داستان بماند؛ البته قضاوت نهایی با مخاطبان خواهد بود. سعی کرده‌ام قصه را کنترل شده پیش ببرم. همین فضای معماگونه و پرتنش کمک می‌کند روایت جلو برود، بدون اینکه وارد ژانر پلیسی یا جنایی شود.

«دیگری دارید که برای مخاطبان روزنامه جشنواره بیان کنید؟

به نظرم باید از این نگاه عبور کنیم که هر سال تعدادی فیلم‌اولی وارد سینما می‌شوند اما بعد رها می‌شوند، چون مراقبت از فیلمساز یعنی این که مسیرش چگونه ادامه پیدا می‌کند، فیلمش چطور اکران می‌شود و فیلم بعدی‌اش در چه شرایطی ساخته خواهد شد، به مراتب مهم‌تر از حضور در یک جشنواره یا حتی اکران اول است. این مراقبت نباید اهمیت کمتری داشته باشد.

سوژه‌ها تیغ دولبه هستند

مهدی فتاحی
تهیه‌کننده



از همان ابتدا به استعداد سعید دشتی ایمان داشتیم و احساس کردیم با فیلمسازی مواجه هستیم که نگاهی مستقل و دغدغه‌مند دارد. برای ما مهم بود فیلمی ساخته شود که با آرمش، دقت و بدون شتاب جلو رود. دغدغه ما سینمای مستقل است و این دغدغه در «بیلورد» به خوبی قابل پیاده‌سازی بود. از سوی دیگر، در کنار آقای مصباح همیشه تلاش کرده‌ایم فیلمسازان مستعد و جوان را به سینمای حرفه‌ای معرفی کنیم و سعید دشتی یکی از همان استعدادهای بود که شایستگی این مسیر را داشت. سوژه فیلم بسیار بکر و درباره آن فکر شده بود. در سینما معمولاً با یک تصویر بیرونی از سلبریتی‌ها مواجه هستیم؛ تصویری که روی بیلوردها و پوسترها دیده می‌شود اما کمتر به درون این جهان و واقعیت پشت آن پرداخته شده است. «بیلورد» تلاش می‌کند فاصله میان تصویر بیرونی و واقعیت درونی را به تصویر بکشد و همین مساله، آن را به دغدغه‌ای امروزی و قابل تأمل تبدیل می‌کند.

این جنس سوژه‌ها مانند تیغ دولبه هستند و نیاز به احتیاط دارند. جسارت کارگردان و نویسنده در کنار مشورت‌های دقیق باعث شد بتوانیم با دقت روی این لبه حرکت کنیم و به نتیجه‌ای قابل دفاع برسیم.

استعدادهای جوان در سینمای ایران بسیار زیاد هستند، اما متأسفانه مسیر برای همه آن‌ها هموار نیست.

بازی‌ها یکی از نقاط قوت فیلم هستند. به طور مشخص بازی خانم درگاهی در این فیلم بسیار قابل توجه است و امیدوارم دیده شود. علاوه بر آن، همدلی و انسجام گروه تولید نقش مهمی در کیفیت نهایی فیلم داشت. با وجود سختی‌های تولید، کمبود امکانات و شرایط دشوار، گروه با تمام توان پای کار ایستاد و این انرژی در فیلم دیده می‌شود.

فیلمنامه در مراحل مختلف با نظر کارشناسان حوزه‌های نویسندگی، جامعه‌شناسی، حقوقی و فرهنگی بازبینی شد. در چنین موضوعات حساسی، مشورت با اهل فن ضروری است تا فیلم از مسیری که مدنظر سازندگان است، خارج نشود.



«قایق سواری در تهران»؛ روایتی تازه از خالق بهترین فیلم جشنواره ۴۳

دلمشغولی های یک شهر

کردن به تهران و زندگی روزمره در پایتخت را پیش چشم مخاطب می گذارد. رسول صدرعاملی پس از ۲۵ سال باردیگر با پیمان قاسم خانی همکاری کرده است اما محصول آن، در فضایی کاملاً متفاوت با «دختری با کفش های کتانی»، مخاطب را می خنداند و هم بسیار شبیه آن، تماشاگران را به فکر فرو می برد. سال هاست دختران نوجوان و جوان در مرکز روایت های سینمای لطیف صدرعاملی قرار گرفته اند اما این بار حرف های بیشتری درباره نسبت انسان ها با شهر، با خاطرات و دلبستگی ها دارد. «قایق سواری در تهران» شخصیت روایتگر پیمان قاسم خانی و تنها ستون پردازش کمدی موقعیت با سروشکل حرفه ای را با خود دارد. هنرمندی که حالا در آخرین اثر خود به بلوغی جدی تر از همیشه رسیده است. چهره پردازی و بازی متفاوت امین حیایی که سال قبل نقش اصلی «زیبا صدایم کن» را با قدرت بازی کرد و نامزد دریافت سیمرغ بلورین شد، بازی سحر دولتشاهی، کمی شوخ و شنگ بودن لحن، پرداختن به فضای شهر از دیگر شاخصه های این اثر است. فیلم با حمایت سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران ساخته شده و به این معضل شهری نیز پرداخته است که البته پیش تر در کارنامه صدرعاملی یک مورد مشابه (فیلم سمفونی تهران) دارد.

«قایق سواری در تهران» آخرین فیلم رسول صدرعاملی خالق «زیبا صدایم کن» و برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم چهل و سومین جشنواره فیلم فجر، درامی اجتماعی با لحنی طنزانه و رگه هایی از کمدی است که شیوه دیگری از فکر



صفحه ۹

روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر



گفت‌وگوبا

مهتاب شیخ‌انصاری، کارگردان فیلم کوتاه «فادیا»

قهرمانی که بهتر از دیگران می‌شنود

پگاه زارعی

مهتاب شیخ‌انصاری، فیلمنامه‌نویس و کارگردان فیلم کوتاه است. او علاوه بر فعالیت به عنوان دستیار کارگردان، برنامه‌ریز و منشی صحنه سریال‌ها و فیلم‌های کوتاه، در مقام کارگردان فیلم‌های کوتاهی چون «دالکه» و «فادیا» را ساخته که در جشنواره فیلم کوتاه تهران مورد توجه قرار گرفته‌اند.

داستان فیلم کوتاه «فادیا» چیست؟

فیلم درباره دختر بچه‌ای است که توانایی شنوایی بالایی دارد و صداها را زودتر از بقیه می‌شنود. همین ویژگی باعث می‌شود با وجود اینکه اطرافیانش حرف‌هایش را باور نمی‌کنند و تصور می‌کنند دروغ می‌گوید اما او می‌تواند به آن‌ها کمک کند و در نهایت افراد را از یک شرایط بحرانی نجات دهد.

با چه رویکردی به تصویری کردن این ایده پرداختید؟

این موضوع برای من خیلی مهم بود که به قهرمان‌هایی بپردازم که کنار ما هستند اما آن‌ها را نمی‌بینیم. در طول تاریخ

قهرمان‌هایی داشتیم که تا وقتی آن‌ها از دست ندادیم، متوجه اهمیت‌شان نشدیم؛ مثل امیرکبیر یا مصدق. شخصیت اصلی فیلم برای من نمادی از همین قهرمان‌های نادیده گرفته‌شده است؛ آدم‌هایی که تا وقتی حضور دارند، دیده نمی‌شوند.

حضور در بخش سودای سیم‌رغ، اولین نمایش فیلم شما به‌شمار می‌رود. از اهمیت این حضور بگویید...

فیلم در جشنواره فیلم کوتاه تهران در بخش مسابقه حضور نداشت اما جزو ۱۵۰ فیلمی بود که برای داوری به جشنواره فیلم فجر معرفی شد. نسخه نهایی فیلم به جشنواره تهران نرسید و به همین دلیل امکان نمایش پیدا نکرد، اما همین انتخاب اولیه برای من اهمیت زیادی داشت؛ چون هم به فیلم اعتبار می‌دهد و هم به فیلمساز. حضور در بین ۱۳ فیلم جشنواره ملی فیلم فجر برای من مهم بود، هم به خاطر نام جشنواره فجر و هم اعتباری که حضور در آن برای فیلم و فیلمساز ایجاد می‌کند. البته امیدوارم در آینده شرایط بهتری از نظر پخش، تصویر و صدا برای آثار کوتاه و مستند فراهم شود. از سوی دیگر، سینمای کوتاه در فجر بیش از آنی که هست، از سایه فیلم‌های بلند بیرون بیاید.

نظر شما درباره ایده داوری فیلم‌های بلند، کوتاه و مستند به صورت یکپارچه در جشنواره امسال چیست؟

این که باید همه آثار با تفکری واحد مورد داوری قرار بگیرند، شاید در ظاهر خوب باشد، اما نکته مهم این است که داوران عمده‌تاً داوران فیلم بلند هستند. فیلم کوتاه فرم، زبان و ویژگی‌های خاص خود را دارد. به نظر من در آینده، اگر قرار باشد این شیوه ادامه یابد، بهتر است داور متخصص در ارزیابی فیلم کوتاه در میان هیأت داوران حضور داشته باشد تا داوری دقیق‌تری نسبت به این آثار انجام شود.



روان‌درمانی با آزمون و خطا

پگاه زارعی

محمد اسدی دانش‌آموخته فیلمسازی انجمن سینمای جوان ایران است و پیش‌تر به‌عنوان دستیار کارگردان، منشی صحنه، مدیر تولید و مشاور در فیلم‌های کوتاه و سینمایی فعالیت کرده است. او با «شیزو» در بخش سودای سیمرغ جشنواره حضور دارد.

از حال و هوا و ماجرای فیلم «شیزو» بگویید...

داستان درباره یک روان‌پزشک جوان است که به‌تازگی کارش خود را در یک بیمارستان روانی آغاز کرده و با آزمون و خطا سعی می‌کند بیماران را درمان کند. در این مسیر، رئیس بیمارستان با شیوه کاری او مخالف است تا اینکه یک شب، زنی مردی را دست‌وپا بسته به بیمارستان می‌آورد و از همان‌جا قصه اصلی فیلم آغاز می‌شود و دکتر در موقعیتی تازه و پیچیده قرار می‌گیرد.

ارتباط این قصه و درونمایه با مخاطب چقدر برای شما به عنوان یک دغدغه مطرح بود؟

«شیزو» یک فیلم چندلایه است اما در عین حال قصه‌ای کاملاً قابل فهم دارد. من از همان ابتدا، بر اساس آموزه‌هایی که از استادانم یاد گرفتم، فیلم را به‌عنوان یک اثر هنری و در عین حال یک محصول سینمایی ساختم و همیشه به دیده شدن و ارتباط با مخاطب فکر کرده‌ام.

نمایش فیلم در جشنواره تهران هم بازخورد خوبی داشت...

بله... پس از پایان مرحله پس‌تولید، هم‌زمان با ثبت نام جشنواره فیلم کوتاه تهران، نسخه راف کات فیلم را ارسال کردیم که به بخش فیلم‌اولی‌ها راه پیدا کرد. نسخه نهایی فیلم تفاوت‌های زیادی با آن نسخه داشت و خوشبختانه همان نسخه نهایی مسیر خوبی را طی کرد. در سه اکرانی که در جشنواره فیلم کوتاه تهران داشتیم، سالن کاملاً پر بود؛ اتفاقی که در بخش فیلم‌اولی‌ها کمتر رخ می‌دهد. بعد از پایان نمایش فیلم، سالن به‌طور کامل تخلیه شد و این برای من بسیار شوکه‌کننده و در عین حال دلگرم‌کننده بود که این

تعداد مخاطب برای دیدن فیلم آمده بودند. پس از آن، «شیزو» به جشنواره منطقه‌ای آبادان هم راه پیدا کرد که قرار است بهار سال آینده برگزار شود. در نهایت باید بگویم که در جشنواره فیلم کوتاه، نگاه‌ها بسیار تخصصی است و عبور از معیارهای آن جشنواره کار ساده‌ای نیست. هر سال هزاران فیلم ارسال می‌شود و تنها تعداد محدودی فرصت نمایش پیدا می‌کنند و همین مساله ارزش دیده شدن را دوچندان می‌کند.

و نظر شما از انتخاب فیلم برای سودای سیمرغ؟

جشنواره فجر، با وجود تمام شرایط زمانی و اجرایی، همچنان یک رویداد حرفه‌ای است و حضور در آن نشان می‌دهد که تیم سازنده فیلم، قابلیت دیده شدن و پخش را دارد. من در جشنواره فیلم کوتاه تهران به‌خوبی ارتباط فیلم با هم مخاطب خاص و هم مخاطب عام را دیدم و این موضوع برایم بسیار ارزشمند بود.

با یکپارچه شدن داوری در فجر ۴۴ موافق هستید؟

به نظر من این که داوران فیلم کوتاه و بلند یکی شده‌اند، اتفاقی مثبت است. برای من که از فیلم کوتاه شروع کرده‌ام و هدفم ساخت فیلم بلند است، این فرصت خوبی است تا خودم را در معرض قضاوت استادان و متخصصان قرار بدهم که تجربه، جهان بینی و دقتی دارند که هنوز من به آن مرحله نرسیده‌ام.

تا چه حد به حضور بین‌المللی فکر می‌کنید؟

«شیزو» متولد ایران است و طبیعی است که ابتدا باید در جشنواره‌های داخلی دیده شود تا بعد بتواند در فضای بین‌المللی هم حرفی برای گفتن داشته باشد.

و سخن پایانی شما با روزنامه جشنواره؟

نقطه شروع من در سینمای حرفه‌ای، فیلم «شیزو» بود. این مسیر بدون حمایت خانواده‌ام، به‌ویژه پدر و مادرم، برادرانم و همچنین بدون تلاش و همراهی تک‌تک عوامل فیلم ممکن نبود. هر فیلم حاصل زحمت یک گروه است و کارگردان فقط نماینده آن گروه محسوب می‌شود. من دوستان و همکارانی داشتم که واقعاً جنگیدند و زحمت کشیدند تا امروز «شیزو» در این جایگاه قرار بگیرد.



«شیزو» متولد ایران

است و طبیعی است

که ابتدا باید در

جشنواره‌های داخلی

دیده شود تا بعد بتواند

در فضای بین‌المللی

هم حرفی برای گفتن

داشته باشد.



«شیزو» یک فیلم

چندلایه است اما در

عین حال قصه‌ای

کاملاً قابل فهم دارد.

من از همان ابتدا، بر

اساس آموزه‌هایی که

از استادانم یاد گرفتم،

فیلم را به‌عنوان یک

اثر هنری و در عین حال

یک محصول سینمایی

ساختم و همیشه به

دیده شدن و ارتباط با

مخاطب فکر کرده‌ام.



روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر
شماره ۶ - پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۴
مدیر مسئول: منوچهر شاهسوار



تصویر امروز

چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر با حضور هنرمندان و علاقه‌مندان به سینما در اهواز افتتاح شد.



تاکید فریدزاده

بر استمرار دبیرخانه دائمی جشنواره



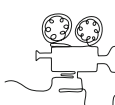
رئیس سازمان سینمایی در بازدید از خانه جشنواره گفت: تغییرات در حال انجام است و با ایجاد دبیرخانه دائمی و مستمر و همچنین از طریق گفت‌وگو با ذینفعان و فعالان این حوزه، می‌توانیم به یک فهم مشترک برسیم که مسائل به تدریج تثبیت شده و جشنواره فجر هر سال بهتر و حرفه‌ای‌تر برگزار شود.



جشنواره

در ۵۸ شهر کلید خورد

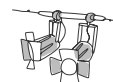
محمدرضا فرجی با اشاره به اینکه اکران شهرستان‌های جشنواره ملی فجر از ۱۵ بهمن آغاز شده، یادآوری کرد که ۵۸ شهر میزبان آثار جشنواره خواهند بود. او در سخنانی در مورد شروع نمایش فیلم‌ها در شهرستان‌ها گفت: ۵۸ شهر در استان‌های مختلف از روز پانزدهم بهمن ماه آثار راه یافته به جشنواره فیلم فجر را به نمایش می‌گذارند. پیش‌فروش بلیت‌های جشنواره در شهرستان‌ها نیز از ۴۸ ساعت قبل شروع شده بود و مخاطبان بلیت آثار منتخب خود را خریداری کرده بود. فرجی ادامه داد: سینماهای جشنواره در سراسر کشور ۳۱ فیلم از آثار حاضر در بخش سودای سیمرغ را نمایش خواهند داد. سینماها در سراسر کشور براساس انتخاب خود استان در جریان نمایش آثار جشنواره قرار گرفته‌اند. این مدیر سینمایی و مدیرکل دفتر حقوقی، عملکرد، امور استان‌ها و مجلس سازمان سینمایی درباره نیایش‌مال و از سرگیری اکران فیلم‌های جشنواره در این مجموعه گفت: بعد از آتش‌سوزی رخ داده در منطقه‌ای در جنت‌آباد که نیایش‌مال در نزدیکی محل حریق بود، یک روز نمایش فیلم‌های جشنواره در این مجموعه متوقف شد. در شرایط فعلی هیچ مشکلی برای نمایش فیلم‌ها در نیایش‌مال وجود ندارد و از روز چهارشنبه ۱۵ بهمن نمایش فیلم‌ها از سرگرفته شد و در سانس‌های شبانه نمایش‌های لغو شده جبران می‌شود.



نگاه ایرانی

«دل‌شدگان» آخرین تالیف سینمایی زنده‌یاد علی حاتمی در ۴ رشته جشنواره دهم نامزد سیمرغ شد. این فیلم روایتی از عشق و هنر با برداشت آزاد از ماجرای سفر نوازندگان مشهور موسیقی ایران به شهر پاریس است.

اکران ۵ فیلم به سانس ویژه رسید



در ادامه اختصاص سانس‌های فوق‌العاده روزانه به فیلم‌های پرمخاطب جشنواره فجر، پنج فیلم سینمایی حاضر در چهل و چهارمین دوره این رویداد در پی استقبال مخاطبان شب گذشته چهارشنبه ۱۵ بهمن در سانس فوق‌العاده روی پرده رفتند. فیلم‌های «خواب» به کارگردانی مانی مقدم در ساعت ۲۲ در سالن ۱ سینما تیرازه ۲، در ساعت ۲۲:۱۵ در سالن ۱ ایران‌مال و در ساعت ۲۲:۴۰ در سالن ۳ همیلا (سنترب) به نمایش درآمدند. همچنین سالن صدستون هدیش‌مال در ساعت ۲۲ و سالن دروازه ملل همین پردیس در ساعت ۲۲:۱۵ میزبان تماشاگران فیلم «کارواش» ساخته احمد مرادپور بود. فیلم سینمایی «قایق‌سواری در تهران» به کارگردانی رسول صدراعلمی در سالن سبلان نیایش‌مال و سالن ۲ ایران‌مال هر دو در ساعت ۲۲:۳۰ روی پرده رفت. مخاطبان در سالن‌های نارنجی و قرمز شمیران‌سنترب در ساعت ۲۲:۱۵ فیلم سینمایی «نیم‌شب» ساخته محمدحسین مهدویان را تماشا کردند. سالن سبلان مهرشاهد هم در ساعت ۲۲ فیلم سینمایی «اسکورت» به کارگردانی یوسف حاتمی‌کیا را به نمایش گذاشت.

روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر

